

Journal of Islamic Human Rights

Volum 1, Consecutive Number 1, 2024

Journal Homepage: <https://islamichumanrights.ir/>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



The Philosophy of Islamic Human Rights in The Perspective of Revelation Teachings

Mahmoud Abbasi^{1*}, Meysam Kalthornia Golkar²

1. Head of Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran; Head of International Human Dignity Think Tank, Tehran, Iran. dr.abbasi@sbmu.ac.ir

2. Researcher of Institute of Bioethics and Health Law, Tehran, Iran; General Director of International Human Dignity Think Tank, Tehran, Iran.

Abstract

Islamic human rights represent the rights for human beings that have been regulated by considering their dignity and their aim in the world. In order to understand Islamic human rights and to understand why there are areas of commonality and difference from materialistic human rights, one should do philosophical studies in this area. In the meantime, the Qur'an, as the main source of Islamic law, has a special place in explaining religious foundations and principles. Based on this, the present study was carried out with the aim of investigating the philosophy of Islamic human rights, focusing on the Qur'anic verses, using the descriptive-analytical method and benefiting from library resources. Relying on theoretical findings and Quranic evidence, it seems that man has special rights in the light of revelation teachings, which originate from characteristics such as dignity and intrinsic value, nature, perpetuity and seeking God. Moreover, the foundation of various instances of human rights mentioned in the Quran (individual, economic, social, political rights, etc.) is constituted by human dignity, justice, wisdom, and divine love.

Keywords: Islamic Human Rights, Quran, Human Dignity, Nature, Justice

- Abbasi, M., Kalthornia Golkar, M. (2024). The Philosophy of Islamic Human Rights in The Perspective of Revelation Teachings, *Journal of Islamic Human Rights*, 1(1), 1-13.



مجله حقوق بشر اسلامی

دوره اول - شماره اول - ۱۴۰۳

صفحات ۱-۱۳ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: دریافت ۱۴۰۲/۱۱/۰۸ - پذیرش ۱۴۰۳/۰۱/۱۶ - انتشار ۱۴۰۳/۰۵/۲۶

فلسفه حقوق بشر اسلامی در چشم‌انداز آموزه‌های وحیانی

محمود عباسی^{۱*}، میثم کلهرنیاگلکار^۲

۱. رئیس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و رئیس اندیشکده بین‌المللی کرامت انسانی، تهران، ایران.
dr.abbasi@sbmu.ac.ir

۲. پژوهشگر انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت و مدیر کل حوزه ریاست اندیشکده بین‌المللی کرامت انسانی، تهران، ایران.

چکیده

حقوق بشر اسلامی نمایانگر حقوقی برای انسان است که با ملاحظه شأن و منزلت و غایت او در جهان، انتظام یافته است. برای فهم حقوق بشر اسلامی و درک چرایی حوزه‌های اشتراک و تفاوت آن از حقوق بشر ماتریالیستی، بایستی به مطالعات فلسفی در این حوزه پرداخت. در این میان قرآن به عنوان اصلی‌ترین منبع حقوق اسلام، جایگاه ویژه‌ای در تبیین مبانی و اصول دینی دارد. بر این اساس، مطالعه حاضر با هدف بررسی فلسفه حقوق بشر اسلامی با امعان نظر به آیات قرآن با استفاده از شیوه توصیفی - تحلیلی و بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای به انجام رسید. با تکیه بر یافته‌های نظری و شواهد قرآنی، به نظر می‌رسد، انسان در پرتو آموزه‌های وحیانی دارای حقوق خاصی است که از ویژگی‌هایی نظیر کرامت و ارزش ذاتی، فطرت، خلود و خداجویی وی نشأت می‌گیرد. همچنین شالوده مصادیق مختلف حقوق بشری مذکور در قرآن (حقوق فردی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ...) را کرامت انسانی، عدالت، حکمت و محبت الهی، تشکیل می‌دهند.

کلیدواژه: حقوق بشر اسلامی، قرآن، کرامت انسانی، فطرت، عدالت

- عباسی، محمود؛ کلهرنیاگلکار، میثم. (۱۴۰۳). فلسفه حقوق بشر اسلامی در چشم‌انداز آموزه‌های وحیانی، مجله حقوق بشر اسلامی، (۱)، صفحات ۱-۱۳.

مقدمه

در حال حاضر، فلسفه حقوق بشر اسلامی و استخراج قواعد و اصول حقوق بشر در اسلام و تبیین چرایی و چیستی و مبانی آن به مثابه یک حوزه تحقیقاتی مهم و بدیع در علوم انسانی و حقوق شناخته می‌شود. از زمانی که انسان به وجود آمده، توجه عملی به مفهوم حقوق بشر و ارزش‌های انسانی شده است لیکن تبیین، تنقیح و تشریح آن به شکل امروزی به مثابه دانشی مستقل ماحصل تأملات سده‌های اخیر است. در این راستا، در اسلام، مفهوم و مصادیق حقوق بشر به طور جدی مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. اسلام به عنوان یک نظام اجتماعی و اخلاقی، دیدگاه خاصی به حقوق بشر دارد که از منابع اصلی مبین آن می‌توان به قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام و ائمه معصومین اشاره کرد.

در اسلام، انسان دارای حقوق خاصی است که سرچشمه آن‌ها را باید در ویژگی‌های او جستجو نمود. قرآن کریم انسان را موجودی ارزشمند و با کرامت فراوان و برتر از دیگر مخلوقات می‌شمارد و به وی حقوقی ویژه اعطا می‌کند. در این راستا، احکام حقوقی مانند آزادی و امنیت باید به گونه‌ای تفسیر شوند که با کرامت انسان سازگاری داشته باشد. با توجه به مبانی اسلامی، انسان از آن جهت به عنوان یک موجود فراتر از سایر موجودات جهان در نظر گرفته می‌شود که خداوند به او کرامتی خاص می‌بخشد. در قرآن کریم زیربنای حقوق بشر را بر این اصل استوار ساخته است: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰). این کرامت، به عنوان یک ارزش نظری تلقی می‌شود که باید در جوانب عملی زندگی انسان تجلی یابد. به این ترتیب، انسان دارای کیفیتی برتر و متمایز از سایر موجودات جهان است و این موقعیت برتر به ویژگی‌های اخلاقی و حقوقی خاصی برای او می‌انجامد.

یکی از جوانب مهم در فهم فلسفه حقوق بشر اسلامی، این است که انسان به عنوان یک موجود خداجوی، در تعامل با خداوند و قوانین الهی قرار دارد. این تعامل به وضوح در قرآن و سنت اسلامی مورد بررسی و مطمح نظر قرار گرفته و در پرتو اصولی نظیر فقر ذاتی انسان، نمایان شده است (فاطر، ۱۵).

در عین حال، قرآن انسان را به عنوان یک موجود متعالی در نظر می‌گیرد؛ موجودی که به خداوند نیازمند و برای خداوند متعهد است. این ارتباط فراگیری که انسان با خدا دارد، باعث می‌شود که تمام ترتیبات و قوانین حقوقی برای او به گونه‌ای باشد که با این ارتباط

خداجویی وی سازگاری داشته باشد. درواقع، تعالیم حقوقی که انسان را مستقل و بی‌وجود خدا تصور می‌کنند، از منبع حقیقی و اصلی حق سرچشمه نمی‌گیرند. همچنین یکی از مسائل مهم حقوق بشر در اسلام، اعتقاد به بقای انسان پس از مرگ است. این امر در قرآن به وضوح مورد ذکر قرار گرفته چه اینکه انسان را موجودی با روحی جاودانه می‌شمارد. این اعتقاد، با استدلال‌های عقلی و دلیل‌های نقلی قوت می‌گیرد و به انسان وضعیت حقوقی خاصی را اعطا می‌کند و جسم و جان و عزت و شخصیت و حرمت او را در پیوستاری هماهنگ، تعالی می‌بخشد.

انسان به‌عنوان یک موجود تکوینی، با تمام جزئیات وجودی هستی در ارتباط است و هیچ اقدامی از وی بدون تأثیر در اجزاء هستی باقی نمی‌ماند. بنابراین، همه قوانین و احکام حقوقی باید با روح و فطرت انسان سازگاری داشته باشند و انسان را به‌عنوان یک موجود ارزشمند و با ارتباط عمیق و مستمر با موجودات دیگر در جهان معرفی کنند. اسلام و آموزه‌های وحیانی آن به‌عنوان یک دین جامع، تمامیت انسان را در بُعدهای مختلف حفظ می‌کند و او را به‌عنوان یک موجود بی‌نهایت ارزشمند و پایدار توصیف می‌کند. (رضوانی، ۱۳۸۶: ۵۴۷)

پیرامون چیستی‌شناسی حقوق بشر اسلامی تا پیش از این کمتر اهتمامی صورت پذیرفته است و به‌طور خاص از دریچه آموزه‌های وحیانی قرآن به این مهم پرداخته نشده است. با این حال برخی پژوهشگران در چارچوب تبیین جهان‌بینی اسلامی و جایگاه انسان در قرآن و حقوق زن (مطهری، ۱۴۰۰: ۱۳۵۷) به زوایای مهمی از این مسأله و تفاوت جهان‌بینی اسلامی و توحیدی با مکاتب غربی ازجمله در بحث حقوق بشر توجه داشته‌اند. برخی نویسندگان نیز کوشیده‌اند تا ضمن بیان اصول و مبانی نظری حقوق بشر از دیدگاه اسلام در قالب طرح مباحثی از قبیل «حق و تکلیف»، «انسان‌شناسی اسلامی»، «خاستگاه و منابع حقوق بشر در اسلام» و ...، به نقد اجمالی موقعیت انسان غربی در دوره جدید بپردازند. (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۷۵). در برخی تحقیقات نیز اصول نظری حقوق بشر در اسلام با تأکید بر اصول محوری توحید، حکمت، عدالت، تلازم حق و تکلیف و کرامت ذاتی انسان، مطمئن نظر بوده است. (سلیمی، ۱۳۹۰) همچنین برخی نویسندگان، حقوق بشری و اساسی طیف‌های خاص نظیر کودکان (کریمی‌نیا و حکیمی، ۱۳۹۸) و زنان (منصوری، ۱۳۹۰) را از دریچه آموزه‌های اسلامی و وحیانی وجهه اتمام قرار داده‌اند.

با این حال همچنان چیستی حقوق بشر اسلامی محل کنکاش و مناقشه باقی مانده است؛ بر این اساس، در نوشتار پیش‌رو با عنایت به اصول و مفاهیم اسلامی ناظر بر حقوق بشر، از دریچه آموزه‌های وحیانی، ضمن بررسی شواهد مرتبط از آیات قرآن و نظریات اندیشمندان به تفسیر اساسی چیستی و چرایی و چگونگی حقوق بشر از دیدگاه اسلام پرداخته‌ایم.

روش

در این تحقیق، از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی نظیر کتب، مقالات علمی و منابع اسلامی و به طور خاص قرآن کریم استفاده شده است. همچنین، شیوه بحث پیرامون تبیین اصول و مفاهیم فلسفه حقوق بشر اسلامی، به صورت کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا بوده است.

یافته‌ها

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اصول حقوق بشر اسلامی، از منظر آموزه‌های قرآنی، متأثر از کرامت و ارزش ذاتی انسان، برخورداری از روح الهی، جاودانگی و جایگاه بی‌بدیل او در نظام آفرینش است. در این میان مؤلفه‌های محبت الهی، توسعه و تعمیق عدالت اجتماعی و زمینه‌سازی برای شکوفایی و تعالی انسان در اجتماع، زیربنای حقوق و تکالیف گوناگونی است که برای افراد مختلف اجتماع و در ساحت‌های گوناگون (حق حیات و زندگی، آزادی و استقلال، حقوق اجتماعی، حقوق اقتصادی، حق انتخاب دین و عقیده، حقوق کودکان، حقوق زنان و ...)، در نظر گرفته شده است.

بحث

فلسفه حقوق بشر از دریچه آیات قرآن را می‌توان از دو منظر مورد تحلیل و واکاوی قرار داد. نخست آیاتی که بر کرامت و ارزش ذاتی انسان و جایگاه او در نظام آفرینش اشاره دارند و دوم، تبیین مصادیق مختلف حقوق بشر در قرآن با رویکرد علی و دغدغه چرایی این حقوق؛ در ادامه بحث، محورهای فوق به صورت مجزا بررسی خواهد شد.

۱. فلسفه حقوق بشر از دریچه کرامت و منزلت انسان در قرآن

آیات مختلفی از قرآن کریم به فلسفه حقوق بشر اشاره دارند. در این میان، آیه ۷۰ از سوره اسراء به وضوح ارزش و کرامت انسان را برجسته می‌کند: «و لقد کَرَّمنا بنی آدم و حملناهم فی البرِّ و البحر و رزقناهم من الطَّیِّبات و فضلناهم علی کثیرٍ ممن خلقنا تفضیلاً».

به این معنا که خداوند انسان را با عظمت و کرامت بی‌پایان برخوردار ساخته و او را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری داده است. کرامت انسان، مبنای برخورداری و برتری و حفظ حقوق اوست. همچنین می‌فرماید إِنِّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیْفَهٗ (بقره، ۳۰) و از طرف دیگر می‌گوید «فَإِذَا سَوَّیْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِیْهِ مِنْ رُّوحِی فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِیْنَ» (ص، ۷۲) یعنی جایگاه و ارزش انسان در نظام آفرینش در ارتباطی وثیق با ربوبیت است (منصوری، ۱۳۹۰: ۶) و با ملاحظه صفات الهی در قرآن و آراستگی روح بشر به این صفات روحانی، می‌توان به ریشه‌های حقوق بشر و تأکید نسبت به آن در منظومه قرآن پی برد. همچنین، آیه ۱۵ سوره فاطر نیز بر اهمیت اعتقاد به خدا و نیاز انسان به او تأکید می‌کند: «یا أَیُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِیدُ». این آیه اظهار می‌دارد که انسان مستقیماً به خدا نیازمند است و تنها اوست که به انسان فضل و نعمت می‌دهد. بدین لحاظ، هرگونه ترتیب و تنظیم حقوقی برای بشر باید با این روح خداجویی وی سازگاری کامل داشته باشد. لذا آن دسته از تعالیم حقوقی که برای انسان استقلال تام وجودی فرض می‌کنند، یا اینکه او را به چیزی غیر از خدا وابسته می‌دانند از منبع حق و اصالت ذاتی سرچشمه نمی‌گیرند.

آیاتی که دربارهٔ مقام و منزلت انسان در قرآن مجید آمده، رفیعترین مقام و شکوه هستی را پس از مقام الوهیت برای انسان ترسیم ساخته است و انسان را موجودی خداگونه و نماد تمام عیار آفرینندهٔ جهان در روی زمین تعریف می‌کند و سرنوشت آفرینش او را برتر از همه موجودات زمینی و آسمانی می‌داند. انسان اسلام تنها یک حیوانی که روی دو پا می‌ایستد و ناخنی پهن دارد و با دو پا راه می‌رود و سخن می‌گوید؛ نیست. قرآن، انسان را شایان عالی‌ترین درجات و در عین حال مستحق بزرگترین مذمت‌ها دانسته است. از سویی او را از آسمان و زمین و فرشتگان برتر و از طرف دیگر از چارپایان نیز پست‌تر شمرده است. اما آنچه مسلم است اینکه در منطق قرآن ذات انسان شایسته تحسین و بزرگداشت و تکریم است و بر این مبنا تأمین و تضمین حقوق او از اهمیت مضاعفی برخوردار گردیده است. با ملاحظه شواهد قرآنی، می‌توان ستایش‌های قرآن از انسان را در موارد ذیل برشمرد: (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۷۶)

۱. انسان خلیفهٔ خدا در زمین است. (بقره، ۳۰)

۲. ظرفیت علمی انسان عظیم‌ترین ظرفیتی است که یک مخلوق می‌تواند به آن دست یابد. (بقره ۳۲-۳۱)

۳. انسان، فطرتی خدا آشنا دارد، به خدای خویش در اعماق وجدان خویش آگاهی دارد. (اعراف، ۱۷۲)
۴. از روح الهی در کالبد انسانی دمیده شده؛ و در سرشت انسان علاوه بر عناصر مادی که در دیگر جانداران وجود دارد، عنصری ملکوتی و الهی است لذا انسان موجودی مرکب از طبیعت و ماورای طبیعت، جسم و جان است. (ص، ۷۲)
۵. آفرینش انسان حساب شده است و وی موجودی برگزیده است. (طه، ۱۲۱)
۶. انسان شخصیتی مستقل و آزاد دارد و امانت‌دار خدا است. رسالت و مسئولیت دارد از او خواسته شده با کار و ابتکار خود زمین را آباد سازد و با انتخاب خود یکی از دو راه سعادت و شقاوت را اختیار کند. (احزاب، ۱۷۲؛ دهر، ۳)
۷. انسان در قرآن از کرامت و شرافت ذاتی برخوردار است. خدا او را بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری داده است. او آنگاه خویشتن واقعی خود را درک و احساس می‌کند که این کرامت و شرافت را در خود درک کند و خود را برتر از پستی‌ها و دنائت‌ها و اسارت‌ها و شهوترانی‌ها بشمارد. (اسراء، ۷۰)
۸. انسان از وجدانی اخلاقی برخوردار است و به حکم الهامی فطری، زشتی و زیبایی را درک می‌کند. (شمس، ۹-۸)
۹. او جز با یاد خدا و ارتباط مؤثر و سازنده با خدا با چیز دیگر آرام نمی‌گیرد، خواست‌های او بی‌نهایت است، به هرچه برسد از آن سیر و دلزده می‌شود مگر آنکه به ذات بی‌حد و نهایت (خدا) پیوندد. (رعد، ۲۸؛ انشقاق، ۶)
۱۰. نعمت‌های زمین برای انسان آفریده شده است. (بقره، ۲۹؛ جاثیه، ۱۳)
۱۱. خداوند انسان را برای این آفرید که تنها خدای خویش را پرستش کند و فرمان او را اطاعت کند. (ذاریات، ۵۶)
۱۲. او جز با یاد خدا، خود را نمی‌یابد و اگر خدای خویش را فراموش کند خود را فراموش کرده است. (حشر، ۱۹)
۱۳. بسیاری از حقایق پنهان این جهان پس از کوچ کردن از این عالم بر وی منکشف می‌شود. (ق، ۲۲)
۱۴. آدمی تنها برای مسائل مادی کار نمی‌کند و محرک او تنها خواسته‌های حیوانی او نیست، بلکه تمایلات ویژه‌ای در او وجود دارد که بدون تحصیل آن خشنود نمی‌شود. (فجر، ۲۸-۲۷)

بنابراین انسان از نظر قرآن موجودی است برگزیده از طرف خداوند؛ خلیفه و جانشین او در زمین؛ مرکب از روح و جسم؛ دارای فطرتی خدا‌آشنا، آزاد، مستقل، امانت‌دار خدا و مسئول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت و آسمان و زمین، آشنا به خیر و شر، در حال کمال از ضعف به قوت، سیرکننده به سوی خدا، دارای ظرفیت علمی و عملی نامحدود، برخوردار از شرافت و کرامت ذاتی، شایسته بهره‌مندی از نعمت‌های خداوندی و برخوردار از حقوق و مسئول در برابر خداوند خویش است. (مطهری، بی‌تا، ۲۵۲-۲۴۷) به عبارت دیگر، ساختار وجودی انسان بهترین ساختار آفرینش است؛ لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم (تین، ۴) و او دارای ظرفیت و استعداد والاست و خواهان رسیدن به نامحدود است. از منظر قرآن، انسان موجودی است که از روح خدا در او دمیده شده و او از چنان گوهر و وجودی برخوردار است که خداوند، دیگر مخلوقات جهان آفرینش را برای او خلق کرده است و جهان را به گونه‌ای آفریده است که انسان بتواند در جهت بهره‌وری خود از آن استفاده کند و تا آنجا او را برتری داده است که به فرشتگان دستور داده تا به او تعظیم کنند. همه این امور بیانگر این حقیقت است که انسان از کرامت و فضیلت ذاتی برخوردار است و این کرامت در مقام انسانیت اوست و نوع انسان کریم است (صادق‌پور، ۱۳۸۶)

قائل شدن چنین مقام و منزلتی برای انسان، مکتب اسلام را مکتبی انسانی کرده است و نظام حقوقی دینی نیز بر این اساس درصدد تعالی شخصیت انسان است. از این مطالب به نیکی تقدم انسان‌شناسی اسلام بر دیدگاه فردگرایان مشخص می‌شود. (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۷۶) تأکید بر کرامت و ارزش ذاتی انسان با چنین اوصافی و در گستره‌ای معنایی و در جهانی هدفمند، نگاه به حقوق بشر را کیفیت و تعالی می‌بخشد.

برخی نویسندگان در مقام تبیین مبنای حقوق بشر و اصول ناظر بر آن در اسلام، با تأکید بر تفاوت اساسی نظام‌های مادی با نظام اسلامی در تشریع حقوق بشر، به این مهم تصریح داشته‌اند که اولاً نتیجه اصل توحید، حاکمیت حق خدا، به عنوان منشأ حقوق بشر است. همچنین اصل «معاد» با طرح جاودانگی روح انسان، انسانی زیستن، روحیه مراقبت در رفتار و تأکید بر پاسخگو بودن انسان در پیشگاه الهی، در تدوین حقوق بشر تأثیرگذار است. اشتراکات و تفاوت‌های حقوق و تکالیف بشر نتیجه منطقی اصل «حکمت» است. اصل «عدالت» نیز زمینه‌ساز تحقق جامعه آرمانی و تکامل اجتماعی انسان است. اصل «تلازم حق و تکلیف»، بیانگر رسالت انسان در زندگی اجتماعی است و در نهایت اصل «کرامت ذاتی»

و تشریحی انسان به مثابه موهبتی الهی، زمینه اعتلای حقوق بشر را فراهم می‌سازد. (سلیمی، ۱۳۹۰: ۱۶۱)

در اسلام انسان دارای حقوق خاصی دانسته شده است؛ و از آنجا که خداوند به واسطه کرامت، انسان را بر سایر موجودات برتری داده است، بر این اساس احکام حقوقی مانند آزادی، استقلال، امنیت و ... باید به گونه‌ای تفسیر شود که با کرامت وی سازگاری داشته باشد. از سوی دیگر، انسان موجودی است خدا طلب، لذا احکام حقوقی باید با روح خداجوی وی سازگاری داشته باشد. (<https://www.makarem.ir/maaref>)

با استناد به آیاتی که با محوریت کرامت و ارزش ذاتی انسان، مقام جانشینی خداوند بر زمین، جایگاه برتر او در نظام هستی در میان مخلوقات، جاودانگی، داشتن روح حقیقت جو و خدا طلب، به عنوان نمونه‌هایی از آیات قرآن ذکر گردید، می‌توان به روحیه حقوق بشری و عزم اعتلای حقوق انسان در اسلام و آموزه‌های وحیانی به نیکی پی برد.

۲. فلسفه حقوق بشر از دریچه جلوه‌های حقوق انسان در قرآن

همراستا با رویکرد کرامت‌بخشی به انسان و تکریم ذاتی او، در آیات مختلف قرآن کریم حقوق بشری به صورت مصداقی مورد توجه و امان نظر قرار گرفته است. حق حیات و زندگی، حق بهداشت، حق دریافت خدمات اجتماعی، حق آزادی و استقلال، حق انتخاب دین و عقیده، تأکید بر حقوق خاص کودکان و زنان، حقوق کارگران و مصادیق متعددی از حقوق خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی مواردی است که توجه ویژه اسلام و قرآن به عنوان اصلی‌ترین منبع آن را به ابعاد مختلف حقوق بشری نشان می‌دهد. در ذیل به برخی از آیاتی که برای نمونه می‌توانند این موارد را تأیید کنند اشاره خواهد شد:

۱. برای حق حیات و زندگی، آیات مختلفی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به آیه «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» و یا آیه «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (مائده، آیه ۳۲؛ اسراء، ۳۳) اشاره داشت که در آنها به اهمیت حق حیات و زندگی همه انسان‌ها تأکید شده و حفظ نفس منطبق با عدالت الهی دانسته می‌شود. همچنین با ملاحظه کرامت انسان، زشتی و نکوهش تعرض به آن بیش از پیش مورد تأکید است.

۲. برای حق بهداشت و خدمات اجتماعی، آیات گوناگونی وجود دارد که به وظایف جامعه و دولت نسبت به فراهم کردن امکانات بهداشتی و خدمات اجتماعی برای شهروندان

دلالت دارند. به عنوان مثال، در سوره بلد، آیه ۱۰ تا ۱۶، در مورد اهمیت اهداف اجتماعی و کمک به نیازمندان به صراحت سخن به میان آمده است.

۳. در رابطه با حمایت از کودکان به ویژه کودکان یتیم و حق حیات و حضانت و تربیت، به حقوق کودکان در قرآن اشاره شده است و تصریح به این حقوق و «تشریع و حمایت از حقوق کودک در چنین شرایطی، بدون الگوگیری از دیگر نظام‌های حقوقی در واقع از اعجاز و شگفتی علمی قرآن محسوب می‌شود» (کریمی‌نیا، ۱۳۹۸: ۷). ریشه توجه به حقوق کودکان در قرآن علاوه بر کرامت انسانی، اقتضای محبت الهی است. برای مثال، در قرآن می‌فرماید، «وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا». یکی از پیام‌های آیه ۸۲ از سوره کهف وجوب حفظ اموال یتیمان دانسته می‌شود (قرائتی، ۱۳۸۳: ۲۱۶) که فلسفه و زیربنای این حمایت، عدالت و محبت الهی است.

۴. در زمینه مبادلات اقتصادی، حقوق کارگران و دستمزد عادلانه، آیات مختلفی در قرآن کریم قابل استناد است. از جمله اینکه می‌فرماید «وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ و از ارزش اموال (و دارایی‌های) مردم مکاهد و در زمین سر به فساد برمدارید» (الشعراء، ۱۸۳) همچنین به طور کلی پیرامون عدالت اقتصادی، حساسیت قابل توجهی در آیات قرآن وجود دارد و در دادوستد مردم رضایت و درستی به عنوان محورهای اصلی تعامل صحیح و مشروع تلقی می‌شوند. در آیه ۲۹ سوره نساء امر می‌کند به اینکه یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا.

۵. حق انتخاب دین و عقیده نیز در قرآن بارها مورد تأکید قرار گرفته است، به طور مثال، آیات ۲۵۶ و ۲۵۷ سوره البقره را می‌توان شواهدی متقن بر این امر دانست چه اینکه می‌فرماید لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ. این حق با قبول اختیار و استقلال برای انسان ملازمه دارد و از طرفی به دلالت خیرخواهی قرآن و جایگاه و سرنوشت انسان در نظام هستی، او را به سوی راه راست رهنمون می‌شود و به او در مورد ضلالت و ظلمت بیم داده می‌شود.

۶. در قرآن کریم و در برهه‌ای تاریخی که حقوق زنان مدام در معرض تهدید تضییع و پایمال شدن قرار داشته است، آیات متعددی اشاره به حقوق زنان و تعهدات و وظایف

مردان و نظام اجتماعی و حقوقی در این ارتباط دارند که از جمله آن‌ها می‌توان آیات ۴، ۷، ۱۲ و ۲۰ و ۳۴ سوره نساء، آیات ۲۲۸ و ۲۲۹ سوره البقره و آیه ۲۳ سوره قصص، را به عنوان شاهد ذکر نمود. از طرفی در قیاس مرد و زن، «تفضیل» و برتری که در قرآن به کار رفته باید روشن شود. قرآن کریم از تفضیل و برتری دادن در بین انسان‌ها سخن گفته است: «اللَّهُ فَضَّلَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ؛ و خدا بعضی از شما را در روزی بر بعضی دیگر برتری داده است.» (نحل، ۷۱) این برتری تنها در روزی و نعمت است و نه در شخصیت و ارزش. چه اینکه درباره بنی اسرائیل می‌گوید: «وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ؛ او شما را بر جهانیان برتری داد.» (اعراف، ۱۴۰) اینجا هم برتری در نعمت و برخورداری است و نه برتری ارزشی. (مرادی، ۱۳۷۸) همچنین باید اذعان داشت که هر نوع برتری و امتیازی در آموزه‌های دینی براساس عدالت و حکمت الهی استوار می‌شود.

۷. در مورد حق آزادی و استقلال، آیاتی مانند آیه ۲۵۶ سوره بقره و آیه ۱۸ سوره زمر و آیات ۱۳۹ الی ۱۴۱ سوره نساء، قابل اشاره هستند. استقلال و عزت مؤمنین مسأله‌ای اساسی در قرآن تلقی می‌شود. همچنین، آزادی ساحت‌های مختلفی در مباحث اخلاقی، عرفانی و حقوقی دارد؛ با این حال اسلام رویکرد شناسایی حق آزادی و استقلال انسان را تأیید کرده است و اساساً در فلسفه آفرینش، وی در امتحان و آزمون زندگی و رسیدن به ثواب و عقاب اخروی، مختار دانسته می‌شود. اسلام در عین حال که به انسان‌ها کرامت و آزادی عطا کرد راههای حسن انتخاب را نیز به آنان آموخت. (جوادی آملی، ۱۳۸۴) چنان‌که فرمود: «فبشر عباد الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر، ۱۸) همچنین در مورد نهی از بندگی غیر و استبداد و حقوق ملت‌ها برای آزادی، آیاتی همچون آیه ۷۵ سوره نحل به ارزشمندی استقلال افراد و ملت‌ها و خودمختاری آنها اشاره دارند.

۸. در زمینه تحریک و اشارت به خیر و نیکی و امر به معروف و نهی از منکر، آیاتی مانند آیات ۱۱۰ و ۱۱۴ سوره آل عمران نشانگر توجه قرآن به لزوم گسترش نیکی‌ها در جامعه، مطابق شأن و منزلت و کرامت انسانی افراد است که در نهایت این رویکرد تأمین و تضمین حقوق بشر را به دنبال خواهد داشت.

این آیات و شواهدی از این دست که در قرآن فراوان است، نشان می‌دهند که حقوق بشر، در مصادیق مختلف آن به عنوان یک مفهوم کلی، در قرآن تأیید و چه بسا مورد تأکید

قرار گرفته است و این اصول و قواعد برگرفته از آموزه‌های وحیانی، به‌عنوان رهنمودهای مهم برای زندگی اجتماعی و اخلاقی و پاسداشت شأن و کرامت انسان استفاده می‌شوند. بررسی چرایی تصریح و تأکید بر مصادیق مختلف حقوق بشر در قرآن حکایت از مبانی مهمی چون محبت الهی، هدفمندی آفرینش، عدالت و کرامت انسانی و جایگاه انسان در نظام هستی به‌عنوان زیربنای حقوق بشر در قرآن دارند.

نتیجه‌گیری

فلسفه یا به عبارتی چیستی و چرایی حقوق بشر در اسلام بیش از هر چیز در آموزه‌های وحیانی به‌عنوان اصلی‌ترین منبع دین، نمودار می‌شود. این مهم در آیاتی که شأن و جایگاه انسان و ارتباط او با خالق و جهان هستی را به تصویر می‌کشند از یک سو و همچنین آیاتی که به صورت مصداقی حقوق بشری را مطمح نظر قرار می‌دهند از سویی دیگر قابل درک و دریافت است.

بررسی فلسفه حقوق بشر از نظرگاه آیات قرآن کریم می‌تواند نقش مهمی در تمیز اساس و اصول حقوق بشری و ریشه‌های آن از منظر اسلام و مآلاً درک امتیازات حقوق بشر اسلامی نسبت به حقوق بشر بر ساخته از تفکرات مادی داشته باشد.

آیات متعددی از قرآن کریم از جمله آیاتی که به گوهر ارزشمند وجودی و کرامت انسانی، روح الهی و فطرت پاک و خداجوی آدمی، جاودانگی و برتری در عالم هستی و استقلال و اختیار عمل و آزادی‌های انسان، تصریح می‌ورزند جایگاه و منزلتی برای او ترسیم می‌کنند که سرچشمه برخورداری و بهره‌مندی از حقوق بشری، متناسب و منطبق با اصول و مبانی مذکور، می‌شوند.

آیات قرآن، مصادیق مختلفی از حقوق بشری را مورد تصریح و تأکید خود قرار داده است که همگی به نوعی به همان اصول و مبانی بازگشت می‌کند؛ حق حیات و زندگی، حق آزادی، حق استقلال، حق دریافت خدمات اجتماعی، حق انتخاب دین و عقیده، حق هدایت، حق حمایتی کودکان، حقوق زنان، حقوق سالمندان و بیماران و موارد عدیده دیگر در ساحت‌های مختلف حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، از جمله مواردی هستند که جعل و تشریع آن‌ها، مقتضای کرامت و ارزش ذاتی انسان، سرشت خدایی و منزلت و جایگاه او در نظام هستی، و مزید بر آنها محبت و عدالت الهی هستند.

منابع

- قرآن کریم.
- رضوانی، علی اصغر. (۱۳۸۶). اسلام‌شناسی و پاسخ به شبهات. چاپ سوم. مسجد مقدس جمکران، قم.
- مکارم شیرازی، ناصر. (بی‌تا). فلسفه «حقوق بشر» از دیدگاه اسلام. در آیین رحمت - معارف اسلامی و پاسخ به شبهات کلامی. بازیابی شده از <https://www.makarem.ir/maaref/fa/article/index/410130/>
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور. چاپ یازدهم. مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران.
- کریمی‌نیا، محمد مهدی و حکیمی، نجیب‌الله. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی حمایت از حقوق کودک در قرآن و حقوق بشر. معارف فقه علوی، دوره ۵، شماره ۱۰.
- مرادی، مجید. (۱۳۷۸). جایگاه و حقوق زن در قرآن. مجله بشارت، شماره ۱۵.
- منصوری، محمد هادی. (۱۳۹۰). حقوق زنان از منظر قرآن (با تأکید بر حقوق اساسی). نشریه حقوق اساسی، شماره ۱۵.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۴). آزادی اجتماعی از منظر قرآن. نشریه پاسدار اسلام، شماره ۲۸۱.
- مطهری، مرتضی. (بی‌تا). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی. قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۴۰۰). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی: انسان در قرآن (۴). انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷). نظام حقوق زن در اسلام. چاپ هشتم. قم: انتشارات صدرا.
- میرموسوی، سیدعلی؛ حقیقت، سیدصادق. (۱۳۷۶). مبانی نظری حقوق بشر در اسلام. نشریه قبسات، شماره ۵ و ۶.
- سلیمی، عبدالحکیم. (۱۳۹۰). اصول نظری حقوق بشر در اسلام. نشریه معرفت حقوقی، شماره ۲.
- صادق‌پور، طیب. (۱۳۸۶). کرامت انسان در قرآن. نشریه بینات، شماره ۸۳.